گزارش

«شرق» از حملات آمریکا و انگلیس به یمن، هشدار تهران و احتمال تغییر رویکرد واشنگتن در قبال منطقه گزارش می‌دهد

حمله به صنعا؛ آغاز کمپین نظامی جدید ترامپ در خاورمیانه

مالک مصدق: در شامگاه شنبه، صنعا شاهد حملات هوایی گسترده‌ای از سوی آمریکا و انگلیس بود. وزارت بهداشت یمن در بیانیه‌ای اعلام کرد که براساس آمارهای اولیه و تا لحظه تنظیم گزارش، این حملات منجر به شهادت ۳۱ غیرنظامی و مجروح‌شدن ۱۰۱ نفر دیگر شده است که بیشتر آنها زنان و کودکان هستند. در سوی دیگر شبکه المیادین گزارش داد که ارتش یمن در حال آماده‌سازی برای پاسخ به این جنایت است. جنبش انصارالله یمن نیز این حمله را یک اقدام خصمانه و جنایتکارانه خواند و هشدار داد که این تجاوز بی‌پاسخ نخواهد ماند. وزارت خارجه یمن نیز تأکید کرد که صنعا با تمام قدرت از خود دفاع خواهد کرد. مقاومت اسلامی عراق، حزب‌الله لبنان، حماس و جبهه خلق برای آزادی فلسطین نیز این حملات را محکوم کردند. در همین حال، عربستان سعودی هرگونه مشارکت در این حمله را تکذیب و اعلام کرد نقشی در آن نداشته است.

حمله به صنعا، هشدار به تهران

ایالات متحده با آغاز حملات هوایی علیه حوثی‌ها در یمن، به ایران هشدار داد که حمایت از این گروه را متوقف کند. فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) اعلام کرد که جنگنده‌های مستقر در یک ناو آمریکایی در دریای سرخ، حملات هوایی به مواضع حوثی‌ها را بر عهده داشته‌اند. پیش از این حملات، دونالد ترامپ به حوثی‌ها هشدار داده بود اگر اقدامات خصمانه خود را متوقف نکنند، «جهنم بر شما نازل خواهد شد». او همچنین به ایران هشدار داد که در صورت ادامه حمایت از حوثی‌ها، واشنگتن تهران را «به‌طور کامل پاسخ‌گو خواهد دانست». ترامپ در شبکه اجتماعی تروث‌سوشال نوشت که به ارتش آمریکا دستور داده تا عملیات نظامی قاطعانه‌ای را علیه حوثی‌ها آغاز کند. وزارت خارجه آمریکا نیز اعلام کرد که مارکو روبیو، وزیر خارجه این کشور، همتای روس خود، سرگئی لاوروف را از این عملیات مطلع کرده است. لاوروف در پاسخ بر لزوم توقف حملات و آغاز گفت‌وگوی سیاسی تأکید کرد.

واکنش تهران

عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، در واکنش به این حملات، خواستار توقف آن شد و به هشدارهای ترامپ پاسخ داد. او در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «دولت ایالات متحده هیچ حقی برای دیکته‌کردن سیاست خارجی ایران ندارد. آن دوران در سال ۱۳۵۷ به پایان رسید». سخنگوی وزارت خارجه ایران نیز این حملات را نقض آشکار منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل دانست و بر احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورها تأکید کرد. اسماعیل بقایی، این تجاوز را بخشی از سیاست‌های حمایتی آمریکا و انگلیس از نسل‌کشی فلسطین و سرکوب همبستگی با حقوق مردم فلسطین خواند. او ریشه ناامنی در غرب آسیا را ادامه اشغال و کشتار در فلسطین دانست که با حمایت غرب تشدید شده است. سرلشکر حسین سلامی نیز در مراسم معارفه فرمانده جدید قرارگاه حمزه سیدالشهدا، با اشاره به شکست‌های پیاپی دشمنان ایران، عنوان کرد: «آنها از اشتباهات خود عبرت نمی‌گیرند و همچنان از تهدید و ارعاب استفاده می‌کنند، اما هر بار شکست می‌خورند». فرمانده کل سپاه پاسداران تأکید کرد که ملت ایران صلح‌طلب است، اما در برابر تهدیدها، پاسخ‌هایی قاطع و ویرانگر خواهد داد. سلامی همچنین اظهارات آمریکا درباره نقش ایران در یمن را رد و تصریح کرد: «یمنی‌ها مستقل عمل می‌کنند». اما هم‌زمان هشدار داد که «هر تهدید عملی با واکنشی سرسختانه مواجه خواهد شد».

بزرگ‌ترین عملیات نظامی آمریکا در خاورمیانه در دولت دوم ترامپ

حملات هوایی به صنعا، بزرگ‌ترین عملیات نظامی آمریکا در خاورمیانه از زمان به قدرت رسیدن ترامپ در ژانویه ۲۰۲۱ محسوب می‌شود. سنتکام در بیانیه‌ای تأکید کرد که این عملیات، آغاز یک اقدام گسترده برای هدف‌قراردادن مواضع حوثی‌ها در سراسر یمن و بازگرداندن امنیت به کشتیرانی بین‌المللی است. پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا نیز با بازنشر پیام ترامپ، بر هشدارهای او تأکید کرد و نوشت: «حمله حوثی‌ها به کشتی‌ها و هواپیماهای آمریکایی تحمل نخواهد شد و ایران، حامی آنها، تحت نظر است». او همچنین اعلام کرد که آزادی کشتیرانی در منطقه احیا خواهد شد.

رویکرد واشنگتن در قبال یمن و منطقه تغییر خواهد کرد؟

این عملیات نشان‌دهنده تغییر رویکرد واشنگتن در قبال یمن و منطقه است. شبکه ای‌بی‌سی به نقل از یک مقام آمریکایی گزارش داد که ده‌ها هدف متعلق به حوثی‌ها، ازجمله موشک‌ها، رادارها، پهپادها و سیستم‌های دفاع هوایی، در این حملات هدف قرار گرفته‌اند. این حمله که به گفته این مقام، «آغاز یک حرکت گسترده علیه حوثی‌ها و ارسال پیامی قوی به ایران است»، نشان می‌دهد که واشنگتن قصد دارد سیاست‌های خود در منطقه را با شدت بیشتری پیش ببرد. اکسیوس نیز به نقل از یک مقام آمریکایی دیگر اعلام کرد که این حمله تنها یک اقدام مقطعی نیست، بلکه شروع یک کمپین نظامی گسترده است که ممکن است روزها یا حتی هفته‌ها ادامه یابد. این مقام تأکید کرد که ترامپ به پنتاگون دستور داده است تا طرح‌هایی برای حملات بیشتر به یمن آماده کند. نکته قابل توجه این است که ایالات متحده پیش از این حمله، تنها به تعداد محدودی از متحدان خود اطلاع داده بود. حتی برخی از متحدان کلیدی و اعضای ارشد کنگره آمریکا نیز تا پیش از آغاز عملیات از جزئیات آن بی‌خبر بودند. این رویکرد محرمانه و غیرقابل پیش‌بینی، نشان‌دهنده تمایل ترامپ به اقدامات سریع و قاطع است؛ اقداماتی که می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر ثبات منطقه و روابط بین‌المللی داشته باشد.

ترامپ و معادلات پرخطر در منطقه

حمله آمریکا به یمن و اتصال آن به ایران، معادلات منطقه را پیچیده‌تر کرده است. این اقدام نشان می‌دهد که کاخ سفید هر لحظه ممکن است تصمیمی خطرناک اتخاذ کند. ترامپ، با دستور حمله و اتهام حمایت ایران از حوثی‌ها، تلاش کرد تهران را در موضع دفاعی قرار دهد، اما این حرکت بیش از آنکه تاکتیکی هوشمندانه باشد، نشان‌دهنده تمایل به ایجاد بحران‌های جدید است. نگرانی این است که کاخ سفید، در اقدامی شتاب‌زده و بدون درنظرگرفتن پیامدها، تصمیم به حمله بگیرد. ترامپ که همواره از رویکردهای تهاجمی استقبال کرده، ممکن است برای اثبات قدرت خود، دست به اقداماتی بزند که خاورمیانه و جهان را درگیر بحران‌های جدیدی کند. در این شرایط، ایران و دیگر بازیگران منطقه باید بیش از پیش هوشیار باشند. اقدامات ترامپ نه‌تنها ثبات خاورمیانه را تهدید می‌کند، بلکه نشان می‌دهد که کاخ سفید هر لحظه ممکن است از ابزار نظامی برای پیشبرد اهداف خود استفاده کند. این بی‌ثباتی، روابط بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داده و خطر درگیری‌های گسترده‌تر را افزایش می‌دهد. خاورمیانه در آستانه دوره‌ای جدید از تنش‌ها و بحران‌ها قرار دارد؛ دوره‌ای که هر تصمیم غیرمنتظره می‌تواند به فاجعه‌ای بزرگ منجر شود.

نگاهی به چالش‌های رو به گسترش سیاست خارجی ایران در منطقه، پرونده هسته‌ای و رابطه با اروپا و آمریکا در گپ‌وگفتی با مهدی ذاکریان

زمان انتخاب است

دولت چهاردهم برای بازی در زمین دیپلماسی برنامه ندارد

وحیده کریمی: سالی که گذشت مملو از حوادثی بود که زمین بازی ایران در عرصه سیاست خارجی را هر روز تنگ‌تر کرد و امروز در آستانه ورود به سال جدید، پیش‌بینی سال آینده سخت‌تر از همیشه است و بازی روسیه با ورق ایران در معادلات جنگ اوکراین، تأثیر چین در نقش میانجی ایران در پرونده هسته‌ای و مذاکرات احتمالی با آمریکا و حتی روابط نه‌چندان رو به رشد ایران و همسایگانش در چند ماه اخیر، تصویر واضحی از معادلات احتمالی در سال آینده را ترسیم نمی‌کند. از این‌رو در گپ‌وگفتی با دکتر مهدی ذاکریان، کارشناس و پژوهشگر حقوق بین‌الملل، به بررسی شرایط ایران در معادلات منطقه و روابطش با اروپا و آمریکا پرداخته‌ایم تا میزان سازنده‌بودن دیپلماسی دولت چهاردهم را به نقد بنشینیم.

سرعت تحولات در عرصه سیاست خارجی بسیار بالاست و در لحظه شاهد رخداد جدیدی با تبعات گسترده هستیم، در این بین اخیرا دونالد ترامپ نامه‌ای به مقام معظم رهبری ارسال کرده است. البته هنوز مشخص نیست محتوای آن چیست. در شرایطی که ایران اعلام کرده است وارد مذاکره‌ای که شرایط برابر نداشته باشد، نمی‌شود و پیش‌شرطی را برای آغاز مذاکره نمی‌پذیرد، این نامه چه پیام و مفهومی می‌تواند داشته باشد؟ آیا این نامه می‌تواند تأثیری مثبت داشته باشد یا پاسخ به آن دشوار خواهد بود؟

با توجه به اینکه هنوز از متن و محتوای این نامه اطلاع دقیقی نداریم، قضاوت درباره مثبت‌بودن یا منفی‌بودن آن امکان‌پذیر نیست. اما نکته‌ای که شما اشاره کردید، بسیار مهم است و متخصصان حوزه روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل نیز از این نکته شگفت‌زده شده‌اند. این نکته مربوط به تحولات سریعی است که در نظام جهانی در حال وقوع است. این تحولات، در برخی موارد با هنجارهای نظام بین‌الملل در تعارض است و به‌نوعی با شکستن هنجارهای جامعه بین‌المللی مواجه هستیم. موضوعاتی مانند جابه‌جایی یک ملت از سرزمینشان که نقض صریح اصول حقوق بین‌الملل است، ازجمله این مسائل است. متخصصان روابط بین‌الملل بر این باورند که این تحولات برای جهان پیامدهایی منفی به همراه دارد و این نگرانی برای ایران نیز وجود دارد که این تحولات تأثیرات ناگواری داشته باشد. با این حال، اقدام ارسال نامه‌ای که در آن صحبت از همکاری، صلح و گفت‌وگو مطرح می‌شود، می‌تواند امیدوارکننده باشد. منشور سازمان ملل متحد تأکید دارد که ابتدای هر نوع رابطه سیاسی باید مذاکره باشد و ابزارهایی نظیر میانجیگری و مذاکره در حل‌وفصل مسالمت‌آمیز دعاوی مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین اقدام اخیر می‌تواند نشانگر تغییر رویکرد باشد. البته رهبر معظم انقلاب نیز اشاره کردند که مذاکره‌ای که از موضع تحکم باشد، مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. این رویکرد نشان‌دهنده موضع ایران در پذیرش اصل گفت‌وگو و مذاکره برای حل مسالمت‌آمیز مسائل است، مشروط بر آنکه از موضع برتری‌جویی و دیکته‌کردن شرایط نباشد. در شرایط فعلی این تمایز بسیار حائز اهمیت است.

آقای دکتر، مشاهده می‌کنیم که برخی تعبیر می‌کنند ایران در یک بن‌بست خودخواسته گرفتار شده است. در حالی که تحولات منطقه‌ای با سرعت در جریان است، روابط ایران با اروپا همچنان نامطلوب باقی مانده و برخلاف پیش‌بینی‌ها مبنی بر بهبود وضعیت این روابط با آغاز دولت چهاردهم، این امر هنوز محقق نشده است. از سوی دیگر، روابط با روسیه همچنان در وضعیت گذشته است و میزان تکیه‌پذیری بر آن قابل تأمل است. در این میان، مسئله پرونده هسته‌ای ایران نیز مطرح و زمان بسیار محدود است. براساس برنامه‌ریزی‌ها، گزارش جامع اردیبهشت یا نهایتا خردادماه آماده می‌شود و پیامدهای آن قابل پیش‌بینی است. در صورتی که روند فعلی اروپا ادامه یابد، گزارش مذکور می‌تواند نگرانی‌هایی جدی ایجاد کند. حال در شرایط بحرانی کنونی و زمان محدود پیش‌رو، دستگاه دیپلماسی ایران چه راهکارهایی برای بهبود اوضاع و ایجاد تغییر دارد؟

در سیاست بین‌الملل، اصطلاح «بن‌بست» مفهومی ندارد؛ چراکه همیشه راه‌حل‌ها و گزینه‌های جدید قابل طراحی و اجرا هستند. برخلاف علوم طبیعی یا پزشکی که در شرایطی با محدودیت‌های غیرقابل تغییر مواجه هستند، در سیاست و روابط بین‌الملل انعطاف‌پذیری بیشتری وجود دارد و حتی پس از اشتباهات، امکان انتخاب مسیرهای جدید باقی است. به‌عنوان نمونه، آلمان و ژاپن پس از نابودی در جنگ جهانی دوم، از طریق سیاست‌های مبتکرانه توانستند به قدرت‌های برجسته جهانی تبدیل شوند. این مثال نشان می‌دهد که با وجود چالش‌ها، هیچ کشوری با بن‌بست واقعی روبه‌رو نیست. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که برخی مسئولان به‌جای تلاش برای یافتن راه‌حل‌ها، مسیر کشور را به‌گونه‌ای مدیریت می‌کنند که همچنان در شرایط دشوار باقی بماند.

البته شما در سؤالتان به دو موضوع روابط دوجانبه و مسائل چندجانبه اشاره کردید. در روابط دوجانبه، نه‌تنها با اروپا بلکه در منطقه نیز بهبود معناداری در روابط دیده نمی‌شود. برای مثال، روابط ایران با کشورهای عربستان، ترکیه و مصر همچنان با چالش‌های زیادی مواجه است. از سوی دیگر، روابط با روسیه نیز با وجود ادعاهای مثبت، وضعیت مطلوبی ندارد. در مسائل چندجانبه نیز ایران با چالش‌هایی نظیر پرونده هسته‌ای، حقوق بشر و حمایت دیپلماتیک کشورهای دیگر روبه‌رو است. سیاست خارجی کنونی نیازمند تغییرات جدی و سازنده‌ای است تا بتواند نه‌تنها منافع ایران را تأمین کند بلکه تصویری مثبت از تعاملات بین‌المللی ارائه دهد.

با توجه به تحریم‌ها و فشار حداکثری ایالات متحده، تحلیل‌هایی وجود دارد که ایران در حال حاضر نیز در شرایط سختی قرار دارد و بازگشت تحریم‌ها نمی‌تواند شدت بیشتری از مشکلات را ایجاد کند. این تحلیل بر این اساس است که جامعه جهانی مجبور به تبعیت از فشارهای آمریکاست. با این حال این دیدگاه که ایران ممکن است واکنش نشان دهد و در صورت اسنپ‌بک، از انجام برخی همکاری‌ها خودداری کند، مطرح است. حتی موضوع خروج از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) نیز به‌عنوان یکی از گزینه‌ها مورد بحث قرار گرفته است. سؤال اینجاست که آیا این توجیه‌ها برای آرامش در شرایط کنونی قابل پذیرش است یا اینکه سیاست خارجی و راهکارهای دیپلماتیک می‌توانند در این فرصت محدود، مسیری را فراهم کنند که از بازگشت تحریم‌ها یا تهدید جنگ جلوگیری شود؟

آنچه از سوی تصمیم‌گیران ایرانی پیگیری می‌شود، دستیابی به حقوق هسته‌ای است؛ چراکه این حقوق می‌تواند موجب تقویت جایگاه ایران در حوزه‌هایی نظیر انرژی، پزشکی و سایر کاربردها شود. هدف نهایی، افزایش قدرت ایران است. اما در عمل، به‌جای تقویت کشور، شاهد تضعیف روزافزون مردم و اقتصاد هستیم. رویکردی که بر نادیده‌گرفتن مذاکرات، پادمان‌ها و حتی معاهده NPT تأکید دارد، می‌تواند مسیر تضعیف ایران را تسریع کند و کشور را به سمت نابودی سوق دهد. انتخاب مسیری که اجماع جهانی بر ممنوعیت آن وجود دارد، نمی‌تواند به نفع ایران باشد. میزان مجاز غنی‌سازی برای مصارف صلح‌آمیز ۳.۶۸ درصد است، اما ایران این میزان را تا ۶۰ درصد افزایش داده است. هرچند این اقدام برای مصارف پزشکی قابل توجیه است، اما باید با هماهنگی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجام شود. در چارچوب برجام، این مسائل حل شده بود و ایران می‌توانست پس از پایان برجام، با ارائه گزارش به آژانس، غنی‌سازی بالاتر از ۲۰ درصد را انجام دهد.

با این حال، خروج آمریکا از برجام و عدم پایبندی طرف‌های اروپایی به تعهدات خود، ایران را به سمت اقدامات متقابل سوق داد. این اقدامات هرچند فراتر از محدودیت‌های برجام بوده، اما در شرایط موجود قابل توجیه است!

این مسئله به اصل مسئولیت‌ها بازمی‌گردد. اصل مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ایجاب می‌کند که در صورت نقض تعهدات از سوی یک طرف، طرف مقابل نیز حق اقدامات متقابل را داشته باشد. با این حال، این اقدامات باید متناسب باشد. در دوره‌های گذشته، فرصت‌هایی برای حل مسائل وجود داشت و حتی در دوره مرحوم امیرعبداللهیان و دولت آقای روحانی، مذاکرات به مراحل نهایی نزدیک شده بود، اما به دلایل مختلف به نتیجه نرسید. اکنون، فشارهای بین‌المللی و برخی رفتارها از سوی کشورهای مخالف ایران می‌تواند زمینه‌های حقوقی برای اعمال فشار بیشتر را فراهم کند.

همان‌طورکه اشاره کردید، ایران در چندین مقطع به مرحله احیای برجام و توافق رفع تحریم‌ها نزدیک شده بود؛ چه در دوران آقای روحانی و چه در دولت مرحوم آقای رئیسی. با این حال، در یک مورد، روسیه مانع امضای توافق شد و در موردی دیگر، جریان‌های تندرو و سیاسی نزدیک به آقای جلیلی از پیشرفت مذاکرات جلوگیری کردند. این افراد همچنان در ساختار تصمیم‌گیری حضور دارند و شرایط کنونی نیز به‌هیچ‌وجه عادی نیست. علاوه بر این، زبان دونالد ترامپ نیز تاکنون مسالمت‌آمیز نبوده و امضای یادداشت فشار حداکثری از سوی او، نشان‌دهنده رویکرد تهاجمی وی است. در چنین شرایطی، حتی اگر طرف مقابل آمادگی خود را برای نشستن بر سر میز مذاکره‌ای برابر و با احترام متقابل اعلام کند، این سؤال مطرح است که آیا ایران توانایی و ظرفیت لازم برای دستیابی به یک صلح پایدار را دارد؟

همان‌طورکه در ابتدای بحث اشاره شد، حکمرانان و تصمیم‌گیرندگان یک کشور باید همواره آمادگی خروج از بن‌بست را داشته باشند. گره‌هایی که اکنون ایران با آنها مواجه است، نیازمند هنر دیپلماسی برای بازشدن هستند. اگر همه شرایط برای امضای توافق مهیا باشد و تنها نیاز به امضای آقای عراقچی باشد، این اقدام نمی‌تواند به‌عنوان یک دستاورد بزرگ تلقی شود. هنر یک دیپلمات یا وزیر امور خارجه در ارائه راهکارهای خلاقانه در شرایط بحرانی است.

درحالی‌که ایران موقعیت‌های متمایزی برای ایفای نقش فعال در حل مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی داشته است، اما از این فرصت‌ها به‌درستی استفاده نکرده است. برای مثال، در هفتم اکتبر و درگیری میان اسرائیل و حزب‌الله در جنوب لبنان، ایران می‌توانست نقش سازنده‌ای ایفا کند، اما ورود نکرد. این در حالی است که در زمان آقای خاتمی، ایران در جنگ ۳۳ روزه نقشی کلیدی ایفا کرد که به پایان جنگ به نفع حزب‌الله و لبنان منجر شد و حتی برای اسرائیل نیز مفید واقع شد. این نقش سازنده ایران مورد استقبال آمریکا، فرانسه و سایر اعضای شورای امنیت قرار گرفت. همچنین در کنفرانس بن درباره افغانستان، ایران گرهی را که پیش پای جامعه بین‌المللی بود، باز کرد. ایران می‌توانست در مسائل دیگری نظیر یمن، حماس و اسرائیل و حتی در بحران اوکراین و روسیه نیز نقش سازنده‌ای ایفا کند، اما این فرصت‌ها از دست رفت. اکنون، با روی کار آمدن دولت جدید و وزیری که پیشینه خوبی در وزارت خارجه دارد، این امید وجود دارد که نقش سازنده ایران احیا شود. این وزیر که در دوران آقای ظریف نیز درخششی داشت، می‌تواند با ابتکار عمل، دستگاه دیپلماسی را فعال کند. این فعال‌سازی باید شامل ارائه طرح‌ها و برنامه‌های مشخص به مجلس، رهبری، قوه قضائیه، ائمه جماعات و جمعه، و مردم باشد تا حمایت و اجماع داخلی نیز به دست آید. رئیس‌جمهور که همواره بر وفاق تأکید می‌کند، نخستین گامش باید ایجاد وفاق براساس نظر کارشناسی باشد. اما نظر کارشناسی چیست؟ تمامی مردم ایران، بدون نیاز به تحصیلات تخصصی در علوم سیاسی یا حقوق بین‌الملل، بر این باورند که ایران باید نقشی مثبت در صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا کند. این نقش نه‌تنها به نفع عزت ایران است، بلکه جایگاه کشور را در عرصه جهانی تقویت می‌کند.

حال، پرسش این است که ابتکارات ایران در این زمینه چیست؟

ابتکار عمل باید در حوزه‌هایی که بحران و گره وجود دارد، نمایان شود. این گره‌ها شامل مسائل هسته‌ای، حقوق بشر، روابط دوجانبه و موضوعاتی نظیر حماس و اسرائیل، لبنان، یمن، آذربایجان و ارمنستان و همچنین بحران اوکراین و روسیه است. ایران چرا از توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود برای ارائه طرح‌ها و ابتکارات منطقه‌ای استفاده نمی‌کند؟ چرا برنامه‌ای جامع برای حل این مسائل ارائه نمی‌دهد؟ در این میان، مقایسه‌ای مطرح می‌شود؛ چگونه دونالد ترامپ که برخی او را به تمسخر یک تاجر یا حتی قمارباز می‌خوانند، توانست طرح ابراهیم را ارائه دهد و با ارسال نامه‌هایی اهداف خود را پیش ببرد؟ این در حالی است که ایران، با وجود ظرفیت‌های فراوان، هنوز نتوانسته است از این توانمندی‌ها به‌درستی بهره‌برداری کند. هنر دیپلماسی در ارائه راهکارهای خلاقانه و سازنده در شرایط بحرانی است و ایران باید این هنر را در عمل به نمایش بگذارد.

در زمینه اجرا، شاید بتوان گفت دونالد ترامپ به دلیل رویکرد خاص خود، آزادی عمل بیشتری دارد. او بدون ملاحظه، تصمیمات خود را اتخاذ و اجرا می‌کند. در ماه‌های اخیر، تصمیمات او یکی پس از دیگری جهان را وارد بحران‌های جدیدی کرده است. در مقابل، ایران با مصلحت‌اندیشی‌های خاص خود و شرایط پیچیده منطقه‌ای مواجه است. منطقه خاورمیانه در یک سال اخیر آرام نبوده و حتی ایران وارد درگیری مستقیم با اسرائیل شده است؛ موضوعی که سال گذشته حتی تصور آن نیز دشوار بود. این شرایط، به‌نوعی دست ایران را بسته است.

یکی از دلایل این محدودیت‌ها، عدم تطابق میان تعهدات و توانایی‌هاست. ترامپ به‌خوبی این اصل ساده روابط بین‌الملل را درک کرده است که تعهدات باید با توانایی‌ها همخوانی داشته باشند. به همین دلیل، او از سازمان‌هایی مانند سازمان جهانی بهداشت (WHO) خارج شد، تعهدات مالی آمریکا به دیگر کشورها و سازمان‌های غیردولتی را محدود و سیاست‌هایی نظیر ساخت دیوار مرزی برای مهاجران را اجرا کرد. این اقدامات هرچند بحث‌برانگیز، نشان‌دهنده تطابق تصمیمات او با توانایی‌های کشورش است. در مقابل، تصمیم‌گیران ایران گاهی اوقات تصمیماتی اتخاذ می‌کنند که با توانایی‌های کشور همخوانی ندارد. برای مثال، ایران با وجود محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی، میزبان حدود ۱۰ میلیون مهاجر افغان است، در حالی که ایالات متحده با توانایی‌های بسیار بیشتر، حاضر به پذیرش دو میلیون نفر از مردم غزه نیست و این مسئولیت را به کشورهای دیگر مانند مصر و اردن واگذار می‌کند. این عدم تطابق میان تعهدات و توانایی‌ها، چالشی جدی برای سیاست‌گذاری ایران ایجاد کرده است.

شما چندین بار به موضوع اوکراین و جنگ روسیه اشاره کردید. یکی از موضوعاتی که در افکار عمومی مطرح است، این است که روسیه برای خروج از بحران اوکراین و دستیابی به گسترش سرزمینی و صلح، به دنبال تأمین منافع خود است و احتمالا با ترامپ مذاکره کرده و به توافقی دست خواهد یافت. در این توافق ممکن است از کارت ایران استفاده کند. البته ایران به‌هیچ‌وجه لقمه کوچکی نیست که بتوان آن را قربانی کرد و موضوع را خاتمه داد. اما مسئله اینجاست که روسیه اخیرا با سروصدای زیادی اعلام کرده که می‌خواهد میانجیگری بین ایران و آمریکا را بر عهده بگیرد یا حداقل چنین ژستی را به نمایش گذاشته است. ما بارها شاهد بوده‌ایم که روسیه در مسیر دستیابی ایران به توافقات جهانی، همراه نبوده و حتی به گفته آقای ظریف، در زمان امضای برجام نیز سنگ‌اندازی کرده است. در چنین شرایطی، این نگرانی وجود دارد که روسیه تا چه حد می‌تواند نقش‌آفرینی کند و آیا واقعا تمایلی به دستیابی ایران به توافق با آمریکا دارد یا ترجیح می‌دهد ایران را در حد یک ابزار نگه دارد تا مسائل خود را در اوکراین حل کند؟

همان‌طور که رهبران دنیا می‌دانند، هیچ کشوری دوست یا دشمن دائمی ندارد، بلکه منافع دائمی دارد. این جمله معروف نخست‌وزیر بریتانیا نیز گواه این موضوع است: «انگلیس دوست و دشمن دائمی ندارد، بلکه منافع دائمی دارد». آقای پوتین نیز از این قاعده مستثنا نیست. او براساس منافع روسیه عمل می‌کند؛ خواه ترامپ در قدرت باشد، خواه بایدن، نتانیاهو یا هر رهبر دیگری. اگر منافع روسیه تأمین شود، پوتین وارد تعامل با آن کشور خواهد شد و از آن برای تأمین منافع خود استفاده خواهد کرد. این موضوع طبیعی است. اما نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که حکمرانان ما نیز باید بیاموزند که ایران و ایرانیان دوست و دشمن دائمی ندارند، بلکه منافع دائمی دارند. روسیه مدعی است که ایران متحد آن است. اما چگونه ممکن است که رتبه صادراتی روسیه با اسرائیل ۲۷ باشد، در حالی که رتبه ایران با روسیه ۶۳ است؟ این تناقض را تنها منافع می‌تواند توضیح دهد.

البته در دوره جنگ اوکراین، روابط تجاری روسیه با ایران بهبود یافت، زیرا روسیه به ایران نیاز داشت.

دقیقا. اگر این نیاز وجود نداشت، شاید رتبه تجاری ایران با روسیه حتی پایین‌تر از این نیز می‌بود. اما اسرائیل در جایگاه بهتری قرار دارد. بنابراین نباید فراموش کرد که ایران کشوری متمایز و متفاوت در ژئوپلیتیک جهانی است. از نظر فرهنگی، ایران با عربستان و کشورهای عربی، ترکیه و بسیاری از کشورهای دیگر تفاوت دارد. از نظر زبان، دین و پیشینه تاریخی نیز ایران کشوری خاص است. بنابراین اگر تصور کنیم که اتحاد و ائتلاف برای ایران ساده و امکان‌پذیر است، دچار اشتباه خواهیم شد. اتحاد و ائتلاف برای ایران بسیار دشوار و پیچیده است. ایران نمی‌تواند به‌سادگی اتحاد اقتصادی، فرهنگی یا سیاسی ایجاد کند. ما نیازمند تعامل با تمامی کشورهای دنیا هستیم و این تعامل نیازمند سیاست خارجی سازنده است؛ سیاست خارجی‌ای که کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی را متقاعد کند که حضور ایران می‌تواند فضای بهتری برای منطقه، دنیا و روابط دوجانبه ایجاد کند.

ادامه در صفحه ۳

خبر

تأکید ایران و عمان بر استفاده از کانال‌های گفت‌وگو

سفر چندساعته وزیر خارجه به مسقط

وزیر امور خارجه در رأس هیئتی به مسقط سفر و با همتای عمانی خویش دیدار و گفت‌وگو کرد. سیدعباس عراقچی و سیدبن‌حمد بن‌حمود البوسعیدی، وزیران امور خارجه عمان و ایران، درباره تحولات منطقه به‌ویژه وضعیت یمن و حملات جنایتکارانه اخیر نیروهای آمریکایی به این کشور به بحث و تبادل نظر پرداختند. همچنین در این دیدار طرفین آخرین وضعیت روابط دوجانبه را مورد بررسی قرار دادند. به گزارش خبرگزاری عمان، وزرای خارجه دو کشور در این دیدار بر اهمیت ایجاد شرایط مساعد برای راه‌حل‌های دیپلماتیک و استفاده از کانال‌های گفت‌وگو و ابزارهای مسالمت‌آمیز برای رسیدگی به مسائل و کاهش تنش تأکید کردند.

سخنگوی دولت:

در خصوص تجمعات غیرقانونی فعلا اقدام قضائی در دستور کار نیست

مهاجرانی در پاسخ به برخی شائبه‌ها درباره اختلاف بین وزارتخانه‌ها اظهار کرد: اختلاف نظر طبیعی است، اما شخص رئیس‌جمهور به صورت کامل بر کار تسلط دارند و به اندازه کافی حتی در جزئیات نیز ورود می‌کنند و نسبت به موضوعات اشراف دارند. فاطمه مهاجرانی با اشاره به برخی تجمعات غیرقانونی و بی‌اخلاقی‌های انجام‌شده علیه رئیس‌جمهور، گفت: دکتر پزشکیان به خاطر بزرگی و سعه صدری که دارند، معتقدند این اقدامات نادیده گرفته شود و دولت واکنشی به آنها نداشته باشد، اما واقعیت این است که این موضوع تنها به شخص ایشان محدود نمی‌شود و به رأی‌دهندگان و به جایگاه ریاست‌جمهوری نیز بازمی‌گردد. او با تأکید بر رویکرد صبوری و مدارای دولت افزود: فعلا اقدام قضائی در دستور کار نیست و دولت همچنان همگان را به رعایت قانون و اخلاق‌مداری دعوت می‌کند. سخنگوی دولت از جلسه محمدجواد ظریف با رئیس‌جمهور پس از اعلام استعفای معاون راهبردی رئیس‌جمهور خبر داد و تأکید کرد: در این جلسه درباره ظرفیت‌های دکتر ظریف و اثرگذاری و تجربیات بسیار بی‌نظیر ایشان صحبت شد، اما متن منتشرشده توسط وی، به‌نوعی حاوی کناره‌گیری بود. معاون راهبردی رئیس‌جمهور به منظور جلوگیری از آسیب به رئیس‌جمهور، دولت و کشور، از سمت خود کناره‌گیری کرد. مهاجرانی تأکید کرد: در دولت بر این باور هستیم که «ظریف» جزء ظرفیت‌های ارزشمند کشور است و باید قدر او را بدانیم. دکتر ظریف، دکتر طیب‌نیا و آقای خاتمی از کسانی هستند که باید قدر آنها را بدانیم و باید تلاش کنیم هرچه بیشتر از ظرفیت‌های وجودی آنها استفاده کنیم. او با تأکید بر اینکه تابعیت فرزندان محمدجواد ظریف قهری است، تصریح کرد: حکم معاونت دکتر ظریف همچنان برقرار است و به‌نوعی باطل نشده، ولی ایشان در جلسات دولت حضور پیدا نمی‌کنند. اما اگر قرار باشد این قانون اجرا شود، باید درباره همه افراد در مجلس، قوه قضائیه و سایر نهادها اجرائی شود. ظریف از نظر دولت همچنان معاون راهبردی رئیس‌جمهور است. وقتی کسی حکمی صادر می‌کند، آن حکم یا باید لغو و فرد عزل شود یا جایگزینی برای آن فرد تعیین شود. در حال حاضر نیز هیچ‌یک از این حالات رخ نداده است. سخنگوی دولت در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه آیا افراد دیگری در دولت هستند که تحت شمول این قانون مجبور به کناره‌گیری شوند، گفت: اطلاع دقیقی از اینکه فرزند چه کسانی تابعیت دوگانه دارند ندارم، اما امیدوارم لایحه دولت در راستای اصلاح تابعیت قهری فرزندان، این مشکلات را حل کند و کشور بتواند به‌درستی از ظرفیت‌های انسانی خود بهره‌برداری کند. مهاجرانی در پاسخ به برخی شائبه‌ها درباره اختلاف بین وزارتخانه‌ها، اظهار کرد: اختلاف نظر طبیعی است، اما شخص رئیس‌جمهور به صورت کامل بر کار تسلط دارند و به اندازه کافی حتی در جزئیات نیز ورود می‌کنند و نسبت به موضوعات اشراف دارند.